

حقوق اساسی

۱- حقوق *law, legal, rights* }
 حقوق اساسی از دو بخش
 ۲- اساسی *constitutional* }

تعریف حقوق

معنی لغوی: دستمزد- امتیازات

معنی اصطلاحی: مجموعه قواعد و مقرراتی که به منظور برقراری نظم و عدالت در یک جامعه بر روابط افراد حاکم است و از ضمانت اجرای دولت برخوردار است.

تعریف حقوق اساسی:

مجموعه قوانینی که روابط افراد با دولت و روابط دستگاههای دولتی را باهم تنظیم می کند. حقوق نهادهای سیاسی است.

نهاد: یک مجموعه ای است که متشکل از روابط متقابل، درهم تنیده و سازمان یافته که معطوف به یک هدف خاص است. مثل ازدواج

انواع نهاد:

- ۱- نهاد مدنی یا غیر سیاسی: مثل ازدواج - طلاق - بیع که مربوط به افراد می باشد.
- ۲- نهاد غیر مدنی (سیاسی): مربوط به افراد نیست و نهادهائی برای کسب قدرت، حفظ قدرت توزیع قدرت مثل احزاب، وزارتخانه ها

دولت شهرهای یونان:

در آغاز اجتماعات بشری دولت مرکزی و حکومت مرکزی به شکل امروزی وجود نداشت و مباحث ابتدائی مربوط به حقوق اساسی در روم باستان و یونان باستان شکل گرفت. مفهوم مرکزی این بحث دولت شهر بود. در آن زمان هر شهر برای خود دولتی داشت که از مجلسی متشکل از مردان (برندگان زنان در این مجلس پذیرفته نمی شدند) و این مجلس در مورد امور اساسی زندگی شهری تصمیم گیری می کردند. با توجه به اینکه این مجالس مختص هر شهر بودند. برای توصیف نحوه اجرای سیاسی در این شهرها از واژه دولت شهر استفاده میشد. بعد از نابودی روم باستان و یونان باستان، دوره قرون وسطی آغاز می شود که در این دوره حاکمیت اسقف کلیسا آغاز می شود. بعد از قرون وسطی عصر رنسانس آغاز میشود. ژان ژاک روسو اندیشمند فرانسوی الاصل در سال ۱۷۶۲ کتاب قرار اجتماعی را تالیف کرد. اندیشه وی: انسان آزاد دنیا آمده و حق دارد بطور آزادانه به فعالیت‌های مادی و معنوی بپردازد. از سوی دیگر انسان یک موجود اجتماعی است و بنابراین برای زندگی در اجتماع باید آزادی خود را محدود کند تا دچار تضاد منافع با دیگران نشود. بنابراین افراد با حضور در جامعه تن به یک قرارداد اجباری با دیگر افراد جامعه می دهند. براساس این قرارداد هرکس جواز زندگی در جامعه را به ازاء صرف نظر کردن از بخشی از آزادی هایش کسب می کند.

دو سند مهم براساس نظریه ژان روسو:

۱- اعلامیه استقلال آمریکا در سال ۱۷۷۶

۲- اعلامیه حقوق بشر فرانسه در سال ۱۷۸۹

بعد از این دو سند کم کم قوانین اساسی در کشورها شکل گرفت.

هدف از نگارش قانون اساسی:

۱- تنظیم قدرت سیاسی و جلوگیری از استبداد سیاسی

۲- حمایت و دفاع از حقوق و آزادی های مردم

منابع حقوق اساسی:

۱- نوشته شده مکتوب

۲- منابع عرفی

۳- برگرفته از سایر علوم اجتماعی

نوشته شده مکتوب:

(الف) قانون اساسی: مجموعه قوانین و مقرراتی که نوع حکومت، وظایف و مسئولیت های قوای سه گانه روابط آنها باهم و حقوق و آزادی های مردم را مشخص می کند.

(ب) قوانین ساختاری: قوانینی که تکمیل کننده متن قانون اساسی بشمار می آید.

(ج) قوانین عادی مصوب دستگاههای قانون گذار (مجلس شورا): این قوانین که برای بهتر فهمیدن قانون اساسی لازم هستند مثلاً هیچ کس را نمیتوان تبعید کرد مگر به حکم قانون

(د) اعمال قوه مجریه (هیات دولت، رئیس جمهور و وزارتخانه) تصویب نامه ها و تصمیمات هیات دولت و مسئولان سیاسی کشور

(ذ) آراء و تفاسیر دستگاههای نظارت بر قانون اساسی: در هر کشور نهادی برای ارائه تفسیر نهائی از قانون اساسی و نظارت بر نحوه اجرای آن در نظر گرفته شده که آراء تفاسیر آن از جمله منابع حقوق اساسی است.

(ر) مذاکرات مجلس قانون گذاری نظیر سؤال از وزراء و استیضاح آنها

(ز) سایر منابع شامل آثار اساتید علم حقوق، اساسنامه، مرامنامه احزاب

۲- منابع عرفی: مقصود از منابع عرفی رفتارهای واقعی است که تکرار گردیده تبدیل به عادت شده و ترک آنها موجب آشفتگی اجتماعی یا اعتراض می شود. بعنوان مثال می توان به انگلستان اشاره کرد که فاقد قانون اساسی مکتوب است و منابع عرفی بخش اعظم منابع حقوقی این کشور را تشکیل می دهند. این منابع عبارتند از قوانین پارلمان آئین نامه های دولتی، اسناد صادر شده توسط مقام سلطنت و رویه های قضائی.

۳- برگرفته از سایر علوم اجتماعی: استفاده از شیوه های سایر علوم اجتماعی مانند علوم آماری، نظر سنجی های عمومی، جمعیت شناسی، جامعه شناسی و....

نظام های حقوقی:

- ۱- نظام کامن لاو انگلیس *common law*، حقوق عرفی
- ۲- مکتوب (حقوق نوشته) فرانسه، بلژیک
- ۳- دینی (ایران)
- ۴- هند و چین

تعریف دولت:

لغوی: در زبان فارسی به معنای ثروت، نیکبختی، پیروزی، جاه و مقام است.
در زبان عربی به معنای تفسیر و عدم ثبات است.
در زبان انگلیسی به معنای وضعیت، حالت و ثبات
تعریف اصطلاحی:

- ۱- کشور (جامعه سیاسی) جامعه ملی
- ۲- قدرت سیاسی (جمع سه قوه)
- ۳- قوه مجریه
- ۴- قوه مرکزی

کشور: یعنی جامعه ای که دارای پیوندهای محکم و همبستگی های فرهنگی، سیاسی تاریخی و اجتماعی است.

قدرت سیاسی: جمع سه قوه (جمعیت، سرزمین، حاکمیت، حکومت)

جمعیت: عامل انسانی تشکیل دولت بوده و عبارت از افرادی که از پیوندهای عمیق و همبستگی گسترده فرهنگی اقتصادی و اجتماعی برخوردارند. بنابراین هر توده انسانی ملت و جمعیت خوانده نمی شود.

سرزمین: عامل مادی تشکیل دهنده دولت بوده و مکانی جغرافیائی برای سکونت جمعیت و اعمال حاکمیت دولت است. طبیعی (رود، دریاچه) غیر طبیعی (توسط انسان ها مشخص می شود)

حاکمیت: ماهیت حقوقی رابطه دولت با سرزمین را مشخص می کند. حاکمیت اراده ای است که فوق همه اراده های دیگر در جامعه اعمال می شود و هیچ اراده ای بر آن برتر نیست. حاکمیت برای دولت ها زمانی مصداق دارد که در برابر اعمال اراده و اجرای اقتدارشان با مانعی مواجه نشود.

حاکمیت شامل:

- ۱- حاکمیت بیرونی: استقلال و عدم وابستگی کشورها به کشور دیگر
- ۲- حاکمیت درونی: برتری دولت بر سایه اعضای جامعه شامل احزاب، گروه ها و مردم

منشاء حاکمیت: منظور از منشاء حاکمیت آن است که برچه مبناء و علیی فرد یا افرادی اجازه و امکان اعمال حاکمیت بر همگان را پیدا می کند.

دو نظریه منشاء حاکمیت:

- ۱- نظریه حاکمیت الهی (خدا)
- ۲- نظریه حاکمیت غیر الهی (مردم)

حکومت: قدرت سیاسی سازمان یافته ای است که بر جمعیت یک سرزمین اعمال حاکمیت می کند.

دو عامل متمایز کننده دولت از سایر گروه های اجتماعی:

- ۱- تکامل سازمانی دولت
- ۲- وسعت روابط و همبستگی های اجتماعی

تکامل سازمانی دولت :

- سیستم کار میان فرمانروایان در هر ۳ قوه و نهادها و سازمان های دیگر
- وجود سیستم پیشرفته ضمانت اجراء، الزام به اجرای قوانین و اجرای مجازات در صورت تخلف
- استفاده انحصاری از قوه مجریه

وسعت روابط و همبستگی های اجتماعی :

در صورت تعارض میان منافع دولت با گروه های اجتماعی دیگر منافع دولت به دلیل همبستگی های اجتماعی گسترده بر منافع سایر گروه ها ترجیح داده می شود و این امر مانع جدا شدن و پراکندگی گروه های اجتماعی می شود.

قوه مجریه: رئیس جمهور، وزراء، اجزای قوانین مصوب مجلس

قوه مرکزی: بر اساس حقوق اداری دو قوه برای اداره کشور وجود دارد. قوه مرکزی و قوای محلی قوه مرکزی متشکل از سازمانهای اداری و مقامات اداره کننده آنهاست. قوای محلی شوراهای هستند که به وسیله مردم انتخاب می شوند.

مشروعیت :

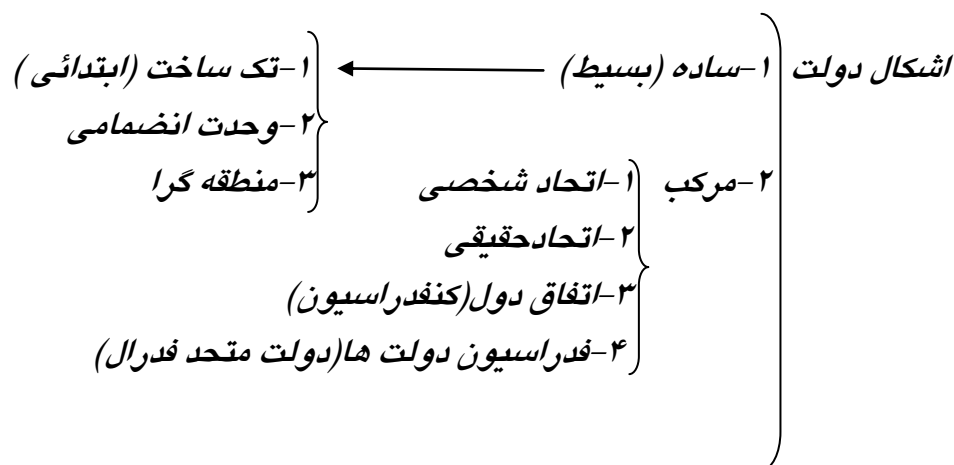
معنای فقهی = منطبق بر شرع بودن - شرعی بودن

معنای سیاسی = حقانی بودن - برحق بودن

معنای اصطلاحی = باور اکثریت و تلقی اکثر اعضا جامعه در مورد شایستگی قدرت برتر سیاسی یعنی اکثریت مردم اقدامات قدرت برتر سیاسی را بر حق و قانونی بدانند.

شخصیت حقوقی دولت :

هر دولت متشکل از نهادها و سازمانهایی است که سهمی در شکل گیری شخصیت آن دارد. این نهادها و سازمان ها در گذر زمان تغییر می کنند ولی اصل شخصیت دولت تغییر نکرده و ثابت باقی می ماند البته این شخصیت با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی در معرض خطر قرار می گیرد.



تک ساخت: دارای یک پایتخت یا مرکز است و کل کشور تحت نظارت آن کنترل می شود. این نوع دولت ها دارای قانون اساسی واحد و قوانین عادی واحد هستند / مثل ایران. اکثر کشورهای دنیا به این شیوه اداره می شوند.

وحدت انضمامی: قوه قانون گذاری در کشور واحد است اما برخی مناطق صلاحیت برخوردار از قواعد متفاوت را دارند. البته به شرطی که به وحدت اداره سیاسی کشور لطمه وارد نکند مثل انگلستان

منطقه گرا: این دولتها دارای نوعی خودگردانی منطقه ای هستند. تشکیل این دولتها راه حلی است که برخی کشورها برای اداره سیاسی مناطق ناهمگون خود بکار گرفته اند این ناهمگونی ناشی از تفاوت های قومی، زبانی، مذهبی و غیره است. به عنوان مثال کردهای شمال عراق دارای خودمختاری منطقه ای هستند. البته قوانین محلی مناطق خود مختار نباید با قوانین وضع شده توسط دولت مرکزی مغایرت داشته باشد.

دولت مرکب: دولتی است که از اتحاد و اجتماع چند دولت به منظور تامین اهداف سیاسی، امنیتی ایدئولوژی سیاسی به وجود می آید و بخشی از حاکمیت سیاسی هر دولت به سازمان مشترکی واگذار می شود تا آن سازمان دولت مرکب را اداره کند.

ویژگی های دولت مرکب:

- ۱- بقای شخصیت حقوقی دولت های عضو
- ۲- بقای حاکمیت دولت های عضو
- ۳- واگذاری تمام یا بخشی از حاکمیت خارجی کشورهای عضو به سازمان مشترک

اتحاد شخصی: دو دولت مستقل به هم پیوسته و با روء ساي کشورهای متفاوت و برخوردار شدن از رئيس کشور واحد، این نوع اتحاد معمولاً پس از چند سال متلاشی می شود.

اتحاد حقیقی: علاوه بر اینکه یک اداره کننده واحد در کشورها حاکم می شود، سازمان یا سازمانهای مشترکی نیز برای اداره کشورها تاسیس می شود.

اتفاق دول :

ویژگی ها:

- ۱- دولت های متحد بصورت مستقل و خدمتار عمل می کنند و به صورت شخصیت مستقل هستند.
- ۲- دولت های عضو ضمن حفظ استقلال داخلی و خارجی بخشی از اقتدار خود را به سازمانی مشترک واگذار می کنند.
- ۳- این الحاد در مقایسه با فدرال اتحاد بادوامی محسوب نمی شود.
- ۴- دولت های عضو مجبور به اطاعت از سازمان مشترک نیستند.

دولت فدرال:

ویژگی ها:

- ۱- متشکل از تعدادی دولت دارای خود مختاری است .
- ۲- این دولت ها از حق حاکمیت خارجی برخوردار نیستند . یعنی اتحاد آنها در زمینه اطلاعات عمومی است نه مسائل بین المللی .
- ۳- دو اصل مهم حاکم بر دول فدرال

دو اصل مهم حاکم بر دول فدرال

- الف) اصل خودمختاری : یعنی دولت های عضو در خصوص قومیت - زبان - مذهب و آداب و رسوم در قلمرو خود استقلال داشته باشند .
- ب) اصل مشارکت : دول عضو برای حضور در نهادهای فدرال قانون گذار و اجرائی حق برخورداری از نماینده را دارند و از این طریق در تصمیم گیری در مورد امور سیاسی ، قلمرو ، جمعیت و .. مشارکت می کنند .

۴- بر شهروندان دولت فدرال دو نظام حقوقی حکمفرماست .

- | | |
|---|---|
| الف) نظام حقوقی همان ایالت | } |
| ب) نظام فدرال که در دولت مرکزی از طریق پارلمان و .. برگزار می شود . | |

تفاوت دولت فدرال و کنفدراسیون

- ۱- کنفدراسیون معمولاً میان چند دولت شکل می گیرد اما دولت فدرال توسط قانون اساسی تشکیل می شود .
- ۲- اعضاء کنفدراسیون شخصیت حقوقی بین المللی خود را حفظ می کنند برخلاف فدراسیون
- ۳- کنفدراسیون دارای سازمان مشترک بین دول عضو است ولی فدراسیون دولت مشترک بین چند دول است .
- ۴- دول عضو کنفدراسیون حق خروج از آن را دارند برخلاف دولت فدرال

منشاء حاکمیت سیاسی:

- ۱- نظریه حاکمیت الهی (تئوکراسی)
- ۲- نظریه حاکمیت غیر الهی (دموکراسی)
- ۳- نظریه حاکمیت الهی و غیر الهی

نظریه حاکمیت الهی: طبق این نظریه هر جا قدرتی می بینیم از آن خداست و منشاء قدرت سیاسی خداوند است.

نظریه حاکمیت غیر الهی: طبق این نظریه منشاء قدرت سیاسی از آن غیر خداست بعنوان مثال گفته میشود منشاء قدرت سیاسی مردم هستند.
نظریه ترکیبی الهی و غیر الهی: یعنی طبق این نظریه منشاء قدرت سیاسی ترکیبی از خداوند و مردم است.

- انواع نظریه تئوکراسی**
- ۱- حکمرانی خدا
 - ۲- حکمرانی نماینده ی برگزیده خدا
 - ۳- حکمرانی براساس مشیت و خواست و اراده ی خدا

حکمرانی خدا: وضع قانون، اجرای قانون و رسیدگی به اختلافات برعهده یک نفر است و او همان خداوند است.

حکمرانی نماینده ی برگزیده خدا: با ظهور پیامبران شکل گرفت و براساس آن حکمرانی از آن نماینده برگزیده خداست.

حکمرانی براساس مشیت و خواست خدا: در برخی از کشورهای مسیحی که براساس اصول دموکراسی اداره میشود، اراده مردم در عرض اراده خداوند دانسته می شود یعنی حکمرانی که منتخب مردم است براساس مشیت و اراده خداوند و در عرض اراده خدا انتخاب می شود. مثل ایتالیا

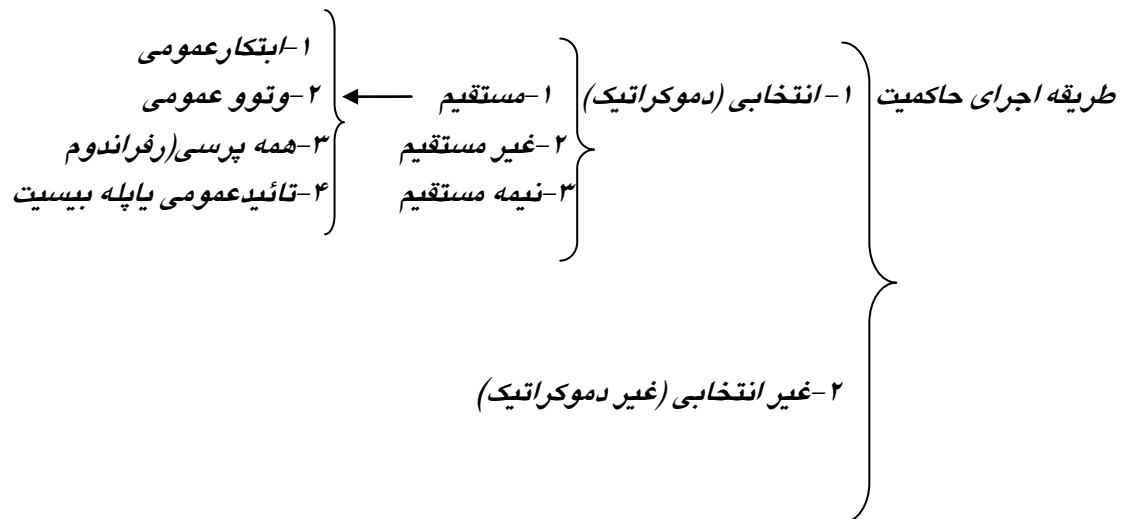
نظریه دموکراسی: *demos cratos* حکومت مردم

انواع دموکراسی }
۱- حاکمیت مردمی
۲- حاکمیت ملی

برطبق نظریه حاکمیت مردمی تک تک مردم بر سرنوشت خود حاکم هستند درحالی که برطبق نظریه حاکمیت ملی اکثریت مردم حکومت دارند. زمانیکه نظریه حاکمیت ملی موجب شکل گیری حکومت هائی مانند آلمان نازی شد و جنگ جهانی دوم به وقوع پیوست نظریه حاکمیت مردمی ارائه شد.

تفاوت حاکمیت ملی و حاکمیت مردمی:

- ۱- در حاکمیت مردمی رای دادن یک حق ارادی و آزادانه است. چون حق حاکمیت به تک تک افراد جامعه داده شده اما در حاکمیت ملی رای دادن یک وظیفه ملی است که فرد به واسطه آن اراده عمومی را ابراز می کند.
- ۲- در حاکمیت مردمی مشارکت گسترده افراد جامعه در امور سیاسی امر مطلوبی است زیرا افزایش مشارکت مردم باعث تقویت حاکمیت می شود. اما در حاکمیت ملی مشارکت در امور سیاسی با هدف انتخاب حاکمانی خاص و معین صورت می گیرد.
- ۳- در حاکمیت مردمی اعمال حاکمیت از طریق دموکراسی مستقیم یا غیر مستقیم صورت می گیرد یعنی از طریق برگزاری همه پرسی یا رای دادن برای انتخاب نمایندگان. اما در حاکمیت ملی از دموکراسی مستقیم خبری نیست یعنی فراندوم برگزار نمی شود و تنها برای انتخاب نمایندگان رای گیری می شود.
- ۴- در حاکمیت مردمی قانون مظهر اراده اکثریت بوده و در پاسخ به نیازهای تک تک افراد جامعه وضع شده. اما در حاکمیت ملی قانون مظهر اراده ملت است نه تک تک افراد جامعه به عبارت دیگر میتوان قانونی را با ادعای موافقت با اراده عمومی به افراد جامعه تحمیل کرد.



۱- **انتخاب مستقیم:** یعنی مردم حاکمیت خود را بطور مستقیم و بدون واسطه اعمال می کنند اینکار از طریق رفراندوم یا همه پرسى انجام میشود.

۲- **انتخابی غیر مستقیم:** در این حالت اعمال حاکمیت از طریق نمایندگان منتخب مردم صورت می گیرد.

۳- **انتخابی نیمه مستقیم:** ترکیبی از دوشیوه بالاست و اعمال حاکمیت هم از طریق رفراندوم و هم از طریق نمایندگان انجام میشود.

انواع دموکراتیک مستقیم:

- ۱- ابتکار عمومی
- ۲- وتوو عمومی
- ۳- همه پرسى (رفراندوم)
- ۴- تائید عمومی یا پله بیسیت

ابتکار عمومی: در این حالت خود مردم به طور مستقیم پیشنهاد یا پیشنهاداتی را به نمایندگان مجلس ارائه می دهند و این پیشنهاد توسط نمایندگان بررسی شده ورد یا تائید میگردد. در حال حاضر دموکراسی مستقیم در برخی ایالات کشور سوئیس اعمال میشود.

وتوو عمومی: در این حالت مجلس قانونی را وضع می کند و اگر عده زیادی از مردم به آن اعتراض کنند با اینکه این قانون توسط مجلس به تصویب رسیده از اعتبار ساقط شده و دیگر قانون نخواهد بود. مثل سوئیس

همه پرسی: دوشکل دارد }
۱- برگزاری رفراندوم در قانون اساسی پیش بینی شده است
۲- خود قانون اساسی را برای تصویب به رفراندوم می گذارند.

پله بیسیت یا تأیید عمومی:

یک نوع دعوت به حضور عمومی است. برای تأیید فرد یا افراد خاص. در این حالت حکومت قانون وضع نمی کند و تنها از عموم برای حضور در اجتماع و تأیید یک فرد دعوت می شود مثل انتخابات صدام در سالهای آخر عمرش

دموکراسی غیر مستقیم (نماینده) }
۱- دموکراسی لیبرال (کشورهای غربی)
۲- دموکراسی مارکسیستی (کشورهای شرقی)
۳- دموکراسی دینی (مردم سالاری دینی)

دموکراسی لیبرال:

مبتنی بر آزادی های فردی است و فرد مادامیکه به آزادی دیگران تجاوز نکرده در این سیستم در انجام امور مربوط به خود آزاد است.

ویژگی دموکراسی لیبرال:

- ۱- قدرت سیاسی برپایه اصل حاکمیت مردمی قرار دارد.
- ۲- حکومت ها از طریق انتخابات عمومی و آزاد تعیین نمی شود.
- ۳- ساختار سیاسی براساس اصل تفکیک قواست یعنی سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه در عرض یکدیگر بوده و هیچ یک بر دیگری برتری ندارد.
- ۴- همه احزاب آزادند تا در انتخابات شرکت کنند حتی احزابی که انحرافات اقتصادی و سیاسی دارند.
- ۵- شهروندان در برابر هیات حاکمه از حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی برخوردارند.

دموکراسی مارکسیستی:

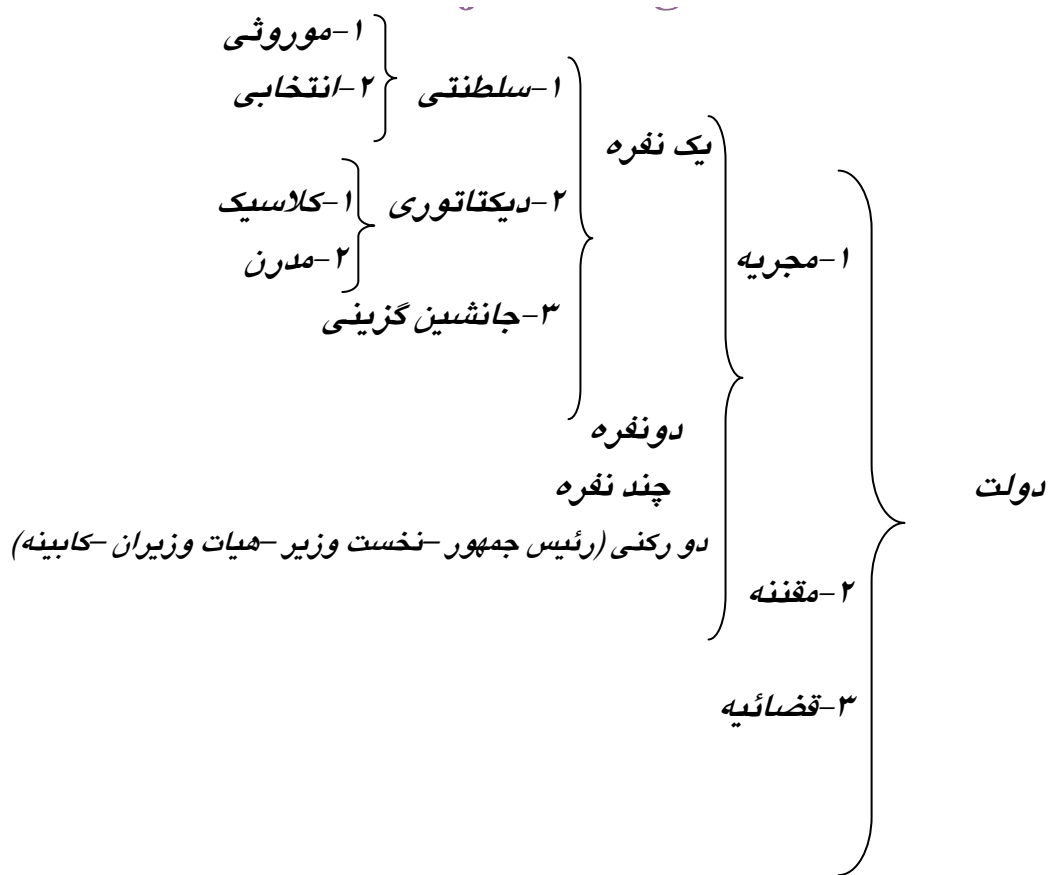
ویژگی ها:

- ۱- قدرت سیاسی در اختیار حزبی واحد است و از اعمال حاکمیت ملی و مردمی خبری نیست.
- ۲- انتخابات جنبه عوام فریبانه دارد و بصورت پله بیسیت برگزار میشود.
- ۳- ساختار سیاسی متمرکز بوده و در دست مقامات اجرائی محدود است به عنوان مثال در شوروی سابق تمامی مقامات عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست بودند. این کمیته بالاترین مرجع حاکمیتی بوده و از اختیارات قانونگذاری اجرائی و قضائی برخوردار است.
- ۴- احزاب آزاد وجود نداشتند و حزبی واحد حاکم است.
- ۵- حزب افکار عمومی را در جهت مشروعیت بخشیدن به رژیم هدایت نمی کند و افراد در برابر هیات حاکمه از حقوق آزادی های فردی و اجتماعی برخوردار نیست.

دموکراسی دینی: مبتنی بر دو عنصر مشروعیت و مقبولیت است .

مشروعیت یعنی اینکه حاکمان باید مورد تأیید شرع مقدس اسلام باشد .

مقبولیت یعنی اینکه مردم باید رضایت خود از حاکمان را از طریق شرکت در انتخابات همه پرسی و غیره اعلام کنند.



حکومت یک نفره:

به آن *mongacracy* گفته می‌شود. قوه مجریه توسط یک نفر اداره میشود و برای این فرد از عناوینی مانند پادشاه، امیر، شاه، و غیره استفاده میشود. این نوع حکومت براساس شیوه تعیین حکمران به سه دسته تقسیم می‌شود. حکومت سلطنتی حکومت دیکتاتوری - حکومت جانشین‌گزینی

ویژگی‌ها:

۱- در حکومت سلطنتی یا *monarchy* موروثی سلطنت از طریق وراثت منتقل می‌شود. یعنی پس از فوت مقام سلطنت وارث او که معمولاً پسر وی است جایگزین می‌شود و اگر پسری نداشته باشد دختر او حاکم می‌شود مثل هلند

۲- در حکومت سلطنتی انتخابی پادشاه به نمایندگی از ملت یا هیاتی از شیوخ بزرگان برای مدت طولانی یا مادام‌العمر انتخاب می‌شوند. مثل مالزی

حکومت دیکتاتوری، حکومتی است که حاکم در آن از راه فتح و غلبه قدرت را کسب می کند و با سرکوب و خفقان حکومت می کند. حکومت دیکتاتوری معمولاً فاقد مشروعیت است به عنوان مثال آقا محمدخان قاجار از طریق جنگ و لشکر کشی سرتاسر ایران را فتح کرد و سلسله قاجاریه را تاسیس نمود (کلاسیک) در دیکتاتوری های مدرن اگرچه در ظاهر ویژگی های حکومت های دموکراتیک رعایت می شود اما در عمل قانون رعایت نمیشود و به حقوق آزادی های فردی مردم هم احترام گذاشته نمیشود. مثل کشورهای عربی

حکومت جانشین گزینی (cooptation): در این حکومت خود حکمران جانشین پس از خود را انتخاب می کند مثل باکو

حکومت دو نفره: دونفر با اختیارات برابر و با رضایت یکدیگر به طور همزمان فرمانروائی می کنند.

ویژگی ها:

- ۱- میان هر دو حکمران برابری کامل وجود دارد و هیچ یک بر دیگری برتری ندارد.
- ۲- اختیارات هر دو نفر مشترک است.
- ۳- تصمیم گیری ها مشترک بوده و هیچ کدام نمی توانند بدون توافق دیگری تصمیم بگیرند. فرانسه بعد از جنگ جهانی دوم

حکومت چند نفره (هیات مدیره): وقتی شکل می گیرد که چند نفر در آن واحد حکومت می کنند.

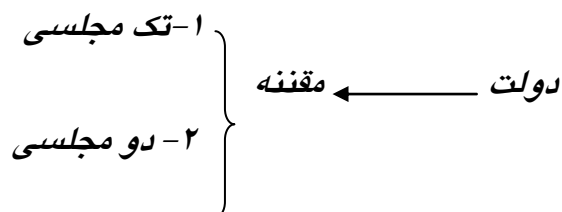
ویژگی ها:

۱- تمامی اعضای هیات مدیره باهم برابرند. هیچ یک بر دیگری برتری ندارد و همه یک حق رای دارند.

۲- تصمیمات بطور جمعی و با اکثریت آراء اتخاذ می شود. به عنوان مثال در سوئیس مجلس فدرال هر ایالت یا کانتون اعضای یک شورای فدرال ۷ نفره را انتخاب می کند و این افراد به مدت چهار سال وظایف اجرایی آن کانتون را بر عهده دارد. هر سال هم هریک از این ۷ نفر به عنوان رئیس هیات مدیره انتخاب می شوند.

حکومت دو رکنی: در این حکومت قوه مجریه در دست یک رئیس کشور و یک هیات بنام هیات وزیران یا کابینه است. رژیم های پارلمانی بطور شاخص حکومت دو رکنی را اعمال می کنند.

حکومت پارلمانی: حکومتی است که در آن اعضای هیات وزیران توسط رئیس جمهور کشور برگزیده میشود.



در قوه مقننه تک مجلسی: اعضای مجلس منتخب مردمند یعنی مردم مستقیماً نمایندگان را انتخاب می کنند تا به جای آنها اعمال حاکمیت کنند.

در قوه مقننه دو مجلسی: برای تکمیل و دقیق تر کردن قوانین مصوب مجلس اول، مجلس دومی با شرکت نخبگان جامعه تشکیل میشود و انتخاب این افراد بصورت موروثی توسط مقامات عالی تر و گاهی بصورت مادام العمر انجام می شود.

تعریف قانون اساسی: قانون اساسی مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر اساس حکومت، صلاحیت قوای مملکت، روابط قدرتهای عمومی، اصول مهم حقوق و آزادی های فردی را تبیین می کند.

تمایزات قانون اساسی با سایر قوانین و مقررات

۱- **از جهت وضع تصویب:** معمولاً قانون اساسی با تشریفات سنگین تر و بیشتری در مقایسه با قوانین عادی تصویب میگردد، اما قوانین عادی فقط از طریق مجلس وضع و تصویب میشود.

۲- **از لحاظ شرح و تفسیر:** شرح و تفسیر قانون اساسی تابع تشریفات خاص و متمایز از تشریفات تفسیر قوانین عادی است حتی مرجع تفسیر این دو دسته از مقررات هم از یکدیگر جدا است به عنوان مثال در ایران تفسیر قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان است. اما مرجع تفسیر قوانین عادی بر عهده مجلس است.

۳- **از لحاظ لغو تغییر:** قانون اساسی کمتر از قوانین دیگر دستخوش تغییر یا تبدیل می شود و اگر کشوری مسئله بازنگری و تجدید نظر در قانون اساسی خود را بپذیرد. در این مورد تشریفات سنگینی را وضع می کند. حال آنکه در مورد قوانین عادی چنین تشریفات وجود ندارد.

۴- **از جهت تبعیت و مطابقت قوانین با یکدیگر:** قانون اساسی در راس هرم مقررات و قوانین موضوعه کشوری قرار دارد و مقررات پائین تر از آن مثل قوانین عادی احکام و نظام نامه های قوه مجریه نباید به نحوی باشد که قانون اساسی را نقض کند یا با اصول آن مغایر باشد در صورت تشخیص، عدم انطباق یا مغایرت قوانین عادی با قانون اساسی توسط مراجع صالح (مانند شورای نگهبان در ایران) آن دسته از قوانین از درجه اعتبار ساقط می شود.

ویژگی های لازم قانون اساسی :

- ۱- منطبق با اصول و مبانی اعتقادی جامعه باشد.
- ۲- ابتکاری و غیر تقلیدی باشد.
- ۳- حکمی باشد و به جزئیات نپردازد.
- ۴- وضوح و قاطعیت داشته باشد.
- ۵- عدم تعارض بین اصول قانون اساسی
- ۶- نظم و ترتیب منطقی اصول قانون اساسی
- ۷- اصول قانون اساسی قابلیت اجراء داشته باشد.

اقسام قانون اساسی :

- ۱- قانون اساسی مدون و غیر مدون
- ۲- قانون اساسی انعطاف پذیر و انعطاف ناپذیر
- ۳- قانون اساسی تک متنی و چند متنی
- ۴- قانون اساسی دارای اصول با ارزش واحد و متفاوت

۱- **قانون اساسی مدون و غیر مدون** : در قانون اساسی مدون اصول و قواعد سازمان سیاسی دولت در سندی بنام قانون اساسی از طرف مقام صلاحیت دار نوشته شده و به صورت مجموع های حاوی تعدادی اصول در دسترس است اما در قانون اساسی غیر مدون سازمان : دولت مبتنی بر عرف عادات و سنت هاست .به عنوان مثال در انگلستان برخی قواعد سیاسی بر اساس قانون نوشته شده معین شده است مانند قانون پارلمان اما در بقیه موارد براساس سنت ها و عرف عمل می شود بدون آنکه قانونی تدوین شده باشد.

۲- **قانون اساسی انعطاف پذیر و انعطاف ناپذیر** : اگر مقررات قانون اساسی هیچ گونه برتری بر قوانین عادی نداشته باشد ارزش حقوقی هر دو دسته از مقررات اساسی و عادی در یک سطح باشد این نوع قانون اساسی قانون اساسی نرم و انعطاف پذیر نامیده می شود. در این سیستم قانون گذار عادی می تواند به سادگی با وضع یک قانون عادی قانون اساسی کشور را تغییر دهد یا هر کدام از مقررات آن را نسخ کند یا اجرای هر یک از آنها را متوقف سازد بنابراین نوع قانون اساسی چندان موفقیتی برای محدود کردن قدرت و اقتدار زمانداران نخواهد داشت ، اما اگر قانون اساسی قوانین عادی برتری داشته باشد و تصویب آن با تشریفات سنگین صورت پذیرد . این نوع قانون اساسی انعطاف ناپذیر خواهد بود . در این سیستم مجلس صلاحیت تغییر یا تجدید نظر در قانون اساسی را ندارد و نمیتواند با وضع قوانین و مقررات مغایر با قانون اساسی اجرای آن را متوقف یا محدود کند.

۳- **قانون اساسی تک متنی و چند متنی** : اگر قانون اساسی مشتمل بر یک سند باشد (شامل) به آن قانون اساسی تک متنی گفته میشود مانند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، اما اگر قانون اساسی یک کشور را چند متن مستقل و مجزا از هم تشکیل دهند قانون اساسی چند متنی خواهد بود مانند قانون اساسی مشروطیت که دو متنی بود و شامل یک متن اساسی شامل ۵۱ اصل و یک متن متمم دارای ۱۰۷ اصل بود.

۴- **قانون اساسی دارای اصول با ارزش واحد و متفاوت** : اگر تمام مواد و اصول قانون اساسی دارای ارزش واحدی داشته باشند و هیچ یک نسبت به دیگری برتری یا اهمیت بیشتری نداشته باشد به آن قانون اساسی دارای اصول با ارزش واحد می گویند. در حالت دوم به برخی از اصول قانون اساسی توجه بیشتری شده و این اصول اهمیت اعتبار بالاتری دارند میزان اهمیت برخی از این اصول تا بدان حد بالاست که در قانون اساسی تشریح شده ، تغییر اصلاح و بازنگری آنها به هیچ وجه ممکن نیست به عنوان مثال در اصل ۱۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گفته شده اسلامی بودن نظام جمهوری ، بودن حکومت ، ولایت امر ، امامت امت ، اداره امور کشور با اتکاء آراء عمومی و دین ، مذهب رسمی کشور تغییر ناپذیر است.

محتوی قانون اساسی

۱- مقدمه: شامل اهداف و آرمانهاست که الهام بخش قانون گذار عادی در مجلس است و هدف آن اعلام ایدئولوژی و فلسفه سیاسی دولت و برداشت او از جامعه انسانی و حقوق آزادی هایش است .

۲- بدنه قانون اساسی: شامل احکام حقوقی دارای ضمانت اجراست و هدف آن تعیین و میان قواعد کلی سازمان سیاسی سه قوه، نحوه اجرای قواعد و روش پیاده شدن آنهاست که از ۱۴ فصل شامل ۱۷۷ اصل تشکیل شده است .

۳- موخره قانون اساسی : شامل آیات و روایات است و به عنوان بخشی از مبانی قانون اساسی در متون اسلامی (قرآن، حدیث) تلقی میشود . این قسمت بیانگر مشروعیت احکام و مقررات است که در نسخه های جدید قانون اساسی درج نمی شود.

اصول کلی قانون اساسی : در بین اصول کلی قانون اساسی دو محور عمده قابل شناسائی است:

۱- اسلامیت نظام

۲- جمهوریت نظام

جمهوریت بیانگر شکل نظام است و اسلامیت نشانگر محتوی آن می باشد.

اسلامیت نظام: منظور از اسلامی بودن نظام سیاسی ایران آن است که محتوی حکومت بر مبنای دین اسلام شکل می گیرد.

دو راه تامین اسلامیت نظام سیاسی عبارتند از :

۱- وضع قوانین و مقررات بر مبنای اسلام که این امر بر طبق اصل ۴ قانون اساسی غیر قابل تغییر است .

۲- اجراء و پیاده کردن قوانین اسلامی به دست فردی که خداوند او را به عنوان ولی تعیین نموده است . این فرد بر طبق اصل ۵ قانون اساسی فقیه عادل و با تقوی ؛ آگاه به زمان ، شجاع ، مدیر و مدبر است که بر طبق اصل ۱۰۷ قانون اساسی عهده دار ولایت امر میگردد.

جمهوریت نظام :

الف) منظور از جمهوری بودن نظام سیاسی ایران آن است که جانشینی ریاست کشور یک انتخابی بوده و امور کشور متکی به آرای عمومی باشد .

ب) رهبر کشور در برابر قانون با سایر افراد مساوی است .

ج) رهبر رئیس جمهور و سایر مسئولان عالی رتبه کشور دارای مسئولیت مضاعف حقوقی و سیاسی هستند.

ویژگی های بنیادین نظام جمهوری اسلامی

۱- حاکمیت خدا	}
۲- حاکمیت مردم	

حاکمیت خدا : در نظام سیاسی ایران منبع مشروعیت نظام خداست و حق حاکمیت به او اختصاص دارد. برای اینکه حاکمیت خدا در جامعه اعمال شود :
اولاً باید قوانین اسلامی باشد
ثانیاً حاکم و مجری قانون هم با تأیید خدا انتخاب شود.

حاکمیت مردم: حاکمیت مردم در طول حاکمیت الهی است. بدین معنی که مردم حاکمیت خود را از خدا می گیرند. حاکمیت مردم در دو مرحله به شرح ذیل محقق می شود:

- ۱- **در مرحله وضع قانون:** از طریق انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی، شرکت در همه پرسی، شرکت در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا و انتخاب اعضای آن
- ۲- **مرحله اجرای قانون:** از طریق انتخاب و عزل رهبری (بطور غیر مستقیم و از طریق منتخبان خود در مجلس خبرگان رهبری) و از طریق انتخاب رئیس جمهور

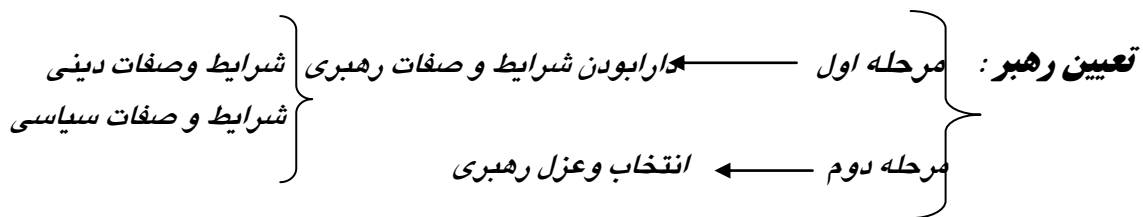
ویژگی های شکلی نظام جمهوری اسلامی ایران

- ۱- خط و زبان
- ۲- تاریخ و پرچم

خط و زبان: براساس اصل ۱۵ قانون اساسی زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است ولی استفاده از زبان های محلی و قومی در مطبوعات رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است.

همچنین به موجب اصل ۱۶ قانون اساسی از آنجائیکه زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است. این زبان باید پس از دوره ابتدائی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاس ها و در همه رشته ها تدریس شود.

تاریخ و پرچم: مبدا تاریخ رسمی کشور هجرت پیامبر اسلام است. تاریخ هجری شمسی و قمری هر دو معتبر است. اما مبنای کار ادارات دولتی تاریخ هجری شمسی است. پرچم رسمی ایران به رنگهای سبز، سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار الله اکبر است.



برای تعیین رهبر دو مرحله وجود دارد. مرحله اول دارابودن شرایط و صفات رهبری و مرحله دوم انتخاب و عزل رهبری. بر طبق دو اصل ۵ و ۱۰۹ قانون اساسی شرایط و صفات رهبری در نظام جمهوری اسلامی به دو بخش تقسیم می شود:

الف) شرایط و صفات دینی که عبارتند از :

- ۱- صلاحیت علمی لازم برای فتوا دادن در حوزه های مختلف فقهی
- ۲- عدالت و تقوی لازم برای رهبری امت اسلام

ب) شرایط و صفات سیاسی :

- بینش صحیح سیاسی و اجتماعی
- مدبر بودن
- شجاعت
- مدیریت و قدرت کافی برای رهبری

انتخاب و عزل رهبری

بر اساس اصل ۱۰۷ قانون اساسی رهبری از طریق خبرگان منتخب مردم انتخاب می شود. ابتدا خبرگان درباره همه فقهای واجد شرایط ذکر شده در اصول ۵ و ۱۰۹ بررسی و مشورت می کنند، در صورت تعدد واجدین شرایط رهبری شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی تر باشد برای انتخاب بر دیگران مقدم است و اگر از این لحاظ واجدین شرایط همسطح باشند به ملاک های دیگری توجه می شود که عبارتند از:

برجستگی های خاص در یکی از صفات و شرایط رهبری مثلاً یکی از فقها از بقیه عادل تر یا شجاع تر باشد یا قدرت مدیریت بیشتری داشته باشد و اگر هیچ یکی از این ملاک ها قابل اعمال نبود و از این جهات تقدم و برتری وجود نداشت مجلس خبرگان رهبری یکی از فقها را انتخاب و معرفی می کند.

- وظایف و اختیارات رهبری:**
- ۱- وظایف و اختیارات در ارتباط با مجموعه نظام
 - ۲- وظایف و اختیارات در ارتباط با قوای سه گانه
 - ۳- وظایف و اختیارات درباره نهادهای قانونی مندرج در قانون اساسی

وظایف و اختیارات در ارتباط با مجموعه نظام:

- تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام
- نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام
- حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه
- حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام

وظایف و اختیارات در ارتباط با قوای سه گانه

- امضاء حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم
- عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رای مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت رئیس جمهور
- موافقت با استعفای رئیس جمهور
- موافقت با جانشینی معاون اول رئیس جمهور به جای وی در صورت فوت، عزل استعفاء، غیبت، بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور
- فرماندهی کل نیروهای مسلح
- اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها
- تعیین دو نماینده در شورای عالی امنیت ملی و تائید مصوبات آن شورا جهت اجراء.
- عزل و نصب و قبول استعفاء مقامات (رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح - فرمانده کل سپاه - فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی)
- فرمان همه پرسی
- نصب و عزل و قبول استعفاء فقهای شورای نگهبان
- نصب و عزل و قبول استعفاء عالی ترین مقام قوه قضائیه.
- عفو و تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه.

وظایف و اختیارات درباره نهادهای قانونی مندرج در قانون اساسی

- دستور تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام و تعیین اعضای ثابت و متغیر آن
- ارجاع امور مربوط به مجمع تشخیص مصلحت نظام و تأیید مقررات مربوط به آن
- پیشنهاد اصلاح یا تکمیل قانون اساسی به شورای بازنگری قانون اساسی پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام
- تعیین ۱۰ عضو شورای بازنگری قانون اساسی
- عزل و نصب و قبول و استعفاء رئیس سازمان صدا و سیما.

شورای موقت رهبری

شورای موقت رهبری بعد از اصلاحات قانون اساسی در نظر گرفته شد و نهادی است که به صورت موقت و بدلائیل خاص بر طبق اصل ۱۱۱ وظایف رهبری را برعهده می گیرد.

دلایل تشکیل شورای موقت رهبری

- فوت رهبر
- کناره گیری رهبر
- عزل رهبر
- بیماری رهبر
- هر حادثه ای که موجب شود رهبری به طور موقت از ایفاء وظایف خود ناتوان شود.

اعضای شورای موقت رهبری

این اعضاء عبارتند از: رئیس جمهور - رئیس قوه قضائیه - یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام در صورتیکه در مدت تصدی شورای مزبور یکی از افراد فوق به هر دلیل نتواند وظیفه اش را انجام دهد فرد دیگری به انتخاب مجمع با حفظ اکثریت فقها در شورا به جای وی منصوب میگردد.

وظایف شورای موقت رهبری

شورای مذکور همه وظایف رهبری را به طور موقت برعهده می‌گیرد اما در مورد وظایف زیر پس از تصویب سه چهارم اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می‌کند.

- تعیین سیاست های کلی نظام
- نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام
- فرمان همه پرسى
- اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها
- عزل رئیس جمهور
- نصب و عزل و قبول استعفاء رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح - فرمانده کل سپاه - فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی

مدت تصدی شورای موقت رهبری

مدت تصدی شورای مزبور تا تعیین و معرفی رهبر جدید خواهد بود. البته در صورتیکه شورای مذکور به دلیل بیماری رهبر یا حادثه ای که رهبر را موقتاً از ایفاء وظایفش ناتوان کند، تشکیل گردد. مدت تصدی شورای مذکور تا رفع بیماری و حادثه خواهد بود.

مجلس خبرگان رهبری

- وظایف**
- ۱- انتخاب رهبر
 - ۲- عزل رهبر
 - ۳- نظارت بر رهبر

انتخاب رهبر:

بر طبق اصل ۱۰۷ قانون اساسی، مجلس خبرگان رهبری وظیفه تعیین رهبر را بر عهده دارد. در جهت بررسی شرایط و انتخاب رهبر، کمیسیونی مرکب از ۱۱ نفر عضو اصلی و ۴ نفر عضو علی البدل در مجلس خبرگان تشکیل میگردد. وظیفه اصلی این کمیسیون تحقیق درباره همه موارد مربوط به شرایط رهبر (کسانی که در مظان رهبری قرار دارند) و ارائه نتایج حاصل به هیات رئیسه برای بررسی مجلس خبرگان رهبری است.

عزل رهبر:

در قانون اساسی در سه مورد برکناری رهبری پیش بینی شده است:

- ناتوانی از انجام وظایف رهبری
- از دست دادن یکی از شرایط رهبری
- کشف فقدان یکی از شرایط از آغاز

مجلس خبرگان برای اجرای این امر دارای کمیسیونی مرکب از ۱۱ نفر عضو اصلی و ۴ نفر عضو علی البدل است. بستگان نزدیک سببی و نسبی رهبر نمی توانند عضو این کمیسیون باشند. اگر دو سوم کمیسیون و هیات رئیسه مجلس خبرگان رهبری به تشکیل اجلاس خبرگان برای رسیدگی و عمل به موارد برکناری رهبر رای بدهند اجلاس خبرگان در اولین فرصت تشکیل می شود و پس از بررسی های لازم رای گیری انجام میشود.

نظارت بر رهبر:

بر طبق اصل ۱۱۱ قانون اساسی تشخیص ناتوانی رهبر از انجام وظایف قانونی یا فقدان یکی از شرایط بر عهده مجلس خبرگان است. مجلس خبرگان برای انجام این وظیفه دارای کمیسیون تحقیق است که علاوه بر رسیدگی به گزارشات واصله به تشکیلات اداری رهبری نیز توجه داشته و به آن مقام برای جلوگیری از نفوذ و دخالت عناصر نامطلوب در تشکیلات نهاد رهبری کمک می نماید.

تهیه و تدوین مقررات مربوط به مجلس خبرگان رهبری

برطبق اصل ۱۰۸ قانون اساسی برای جلوگیری از دخالت دیگران و ناممکن کردن اعمال نفوذ بر فرآیند کاری و تصمیمات حساس مجلس خبرگان ، تهیه و تدوین مقررات و امور مربوط به مجلس خبرگان رهبری بر عهده نمایندگان همین مجلس گذاشته شده است.

تعداد و شرایط نمایندگان مجلس خبرگان

تعداد نمایندگان هر استان در مجلس خبرگان یک نفر است ولی با در نظر گرفتن جمعیت هر استان به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت یک نفر به تعداد نمایندگان آن استان افزوده خواهد شد.

ویژگی های خبرگان منتخب مردم

- اشتها به دیانت و شایستگی اخلاقی
- اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعضی مسائل فقهی را داشته باشد و بتواند ولی فقیه واجد شرایط رهبری را تشخیص دهد.
- دارای بینش سیاسی و اجتماعی و آشنائی با مسائل روز
- معتقد بودن به نظام جمهوری اسلامی ایران
- نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی

مرجع تشخیص واجدان شرایط نامزدی در انتخابات مجلس خبرگان رهبری فقهای شورای نگهبان هستند . فقهای مزبور برای کسانی که اجتهادشان به طور قطعی مشخص نیست ، اقدام به برگزاری امتحان می کنند و شرایط دیگر را از طریق تحقیق و تفحص مشخص می کنند . خبرگان رهبری برای ۸ سال با رای مخفی و مستقیم رای دهندگانی که به سن ۱۸ سال تمام رسیده باشند انتخاب می شوند . ملاک انتخاب نمایندگان خبرگان رای اکثریت نسبی شرکت کنندگان در انتخابات است .

قوه مقننه

شیوه های قانون گذاری

۱- شیوه غیر مستقیم تصویب قوانین

۲- شیوه مستقیم تصویب قوانین

شیوه غیر مستقیم تصویب قوانین

نمایندگان مجلس که منتخب مردم هستند قوانینی را تصویب کرده و پس از تأیید شورای نگهبان جهت اجراء به قوای مجریه و قضائیه ابلاغ می کنند. تصویب قوانین آزمایشی در کمیسیون های مجلس یا تصویب دائمی اساسنامه سازمان ها ، شرکتهای موسسات دولتی یا وابسته به دولت که با اجازه مجلس در دولت تصویب میشود ، از این نوع قوانین است .

شیوه مستقیم تصویب قوانین

در مسایل بسیار مهم ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت بگیرد. اینکار:
اولاً باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد .
ثانیاً شورای نگهبان آنرا تأیید کند.
ثالثاً فرمان اجراء همه پرسی از سوی رهبری صادر شود.

ارکان قوه مقننه }
۱- مجلس شورای اسلامی
۲- شورای نگهبان قانون اساسی

مجلس شورای اسلامی

تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی ثابت نیست و هر ۱۰ سال یکبار با در نظر گرفتن عوامل مختلف حداکثر تا بیست نماینده به تعداد نمایندگان اضافه میشود. تعداد نمایندگان در سال ۱۳۷۸ به ۲۹۰ نفر رسید. این افزایش شامل نمایندگان اقلیت های مذهبی که ۵ نفر هستند (یک نماینده برای یهودیان - یک نماینده برای زرتشتیان و سه نماینده برای مسیحیان) نمیشود.

شورای نگهبان قانون اساسی

متشکل از ۱۲ عضو است که شامل ۶ نفر فقیه عادل و ۶ نفر حقوقدان مسلمان می باشد مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبار نامه نمایندگان و انتخاب ۶ نفر حقوقدان عضو شورای نگهبان